

جنبش دانشجویی دههٔ ۱۹۶۰

عنوان و نام پدیدآور: جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰/ویراسته الکساندر کرودن؛ ترجمه فاطمه شاداب.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.
فروست: چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان؛ ۳.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۳۸۸۳-۰۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Student Movements of the 1960s, 2012.
یادداشت: نمایه.
موضوع: جنبش‌های دانشجویی — تاریخ
موضوع: Student movements -- History
موضوع: دانشجویان — فعالیت‌های سیاسی
موضوع: College students -- Political activity
شناسه افزوده: کرودن، الکزاندر، ۱۶۹۹-۱۷۷۰ م، ویراستار
شناسه افزوده: Cruden, Alexander, 1699-1770
شناسه افزوده: شاداب، فاطمه، ۱۳۴۶ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: LA ۱۸۶
رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۱۹۸۱
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۳۸۸۷۴

چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان - ۳

جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰

ویراسته الکساندر کرودن
ترجمه فاطمه شاداب



این کتاب ترجمه‌ای است از:

***Perspectives on Modern World History:
Student Movements of the 1960s***

Alexander Cruden (Book Editor)
Greenhaven Press, 2012



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

ویراسته‌الکساندر کرودن

جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰

ترجمه فاطمه شاداب

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳-۰۳۸۸-۰۴-۶۲۲-۹۷۸

ISBN: 978-622-04-0388-3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

پیشگفتار..... ۹

مقدمه..... ۱۳

نقشه جهان..... ۱۷

بخش اول: زمینه تاریخی جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰

دیدگاه اول: بررسی جنبش دانشجویی در دهه ۱۹۶۰..... ۲۲

دهه‌های آمریکایی

فراوانی و رونق در سطح ملی و افزایش بی‌سابقه جمعیت آمریکا سبب افزایش سه‌برابری تعداد دانشجویان شد و بسیاری از آنان به تدریج درباره دیدگاه‌ها و عملکرد مسئولان دانشگاه‌ها دچار تردید شدند. ناآرامی‌های سال ۱۹۶۴ در دانشگاه برکلی کالیفرنیا نمونه‌ای از این شورش‌ها بود.

دیدگاه دوم: دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک از اهداف و آرمان‌هایشان می‌گویند..... ۲۹

دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک

در ابتدای خیزش فعالیت دانشجویی، گروهی از دانشجویان بعد از چند ماه هم‌اندیشی تحلیل موشکافانه‌ای از اوضاع کشور و نیز برنامه‌ای برای بهبود اوضاع ارائه کردند. «بیانیه پورت هارون» به سند اصلی جنبش دانشجویی بدل شد.

دیدگاه سوم: رئیس‌جمهور در مورد لزوم شرکت جوانان آمریکایی در جنگ ویتنام می‌گوید..... ۳۵

لیندون جانسون

رئیس‌جمهور با استناد به این که کمونیست‌های آسیایی تهدیدی برای ایالات متحده به شمار می‌آیند، اعزام سرباز به ویتنام را دو برابر کرد و به این ترتیب جوانان بیشتری بایست به ارتش می‌پیوستند. او اعلام کرد ویتنام جایی است که باید برای آزادی آمریکا جنگید.

دیدگاه چهارم: مقاومت دانشجویی در دهه ۱۹۶۰..... ۴۳

مارک ادلمن بورن

از میان تمام فعالان دانشجویی سراسر جهان، جوانان آلمانی و فرانسوی توانستند قدرتمندانه در سیاست‌ها و جوامعشان تغییراتی پدید بیاورند. کانون توجه آن‌ها تنها مشکلات داخلی نبود، آن‌ها به مسائل بین‌المللی هم توجه داشتند.

دیدگاه پنجم: آغاز دیر هنگام اما گسترده اعتراضات دانش‌آموزی ۵۴

گیل گراهام

به نظر این استاد تاریخ، مسائل دانش‌آموزان دبیرستانی در اواخر دهه ۱۹۶۰ شبیه به مشکلات دانشجویان بود، البته آن‌ها به مقررات مربوط به پوشش هم اعتراض داشتند. اعتراضات دانش‌آموزان از آنچه انتظار می‌رفت سازمان‌یافته‌تر و عمیق‌تر بود.

بخش دوم: مباحث پیرامونی جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰

دیدگاه اول: کمونیست‌ها جوانان را فریب داده‌اند و از درون ایالات متحده را تهدید می‌کنند ۶۴

کمیته بررسی فعالیت‌های ضدآمریکایی در کنگره ایالات متحده

جی. ادگار هورر، رئیس اف‌بی‌آی، در مورد اعتراضات دانشجویی که در طول جلسات رسیدگی کنگره در سال ۱۹۶۰ در سان‌فرانسیسکو در جریان بود گزارش می‌دهد و ادعا می‌کند آن‌ها تحت تأثیر کمونیست‌ها به نهادهای ایالات متحده حمله کرده‌اند. او تأکید می‌کند موفقیت آن‌ها مؤید خطرناک بودنشان است.

دیدگاه دوم: دانشجویان سیاهپوست دانشگاه‌های جنوب کشور با برگزاری اعتراضات بدون خشونت خطرهای بزرگی را به جان خریدند ۷۲

جفری ای. ترنر

دانشجویان دانشگاه ویژه سیاهپوستان با به خطر انداختن آینده و شاید جانشان مبارزه برای احقاق حقوق مدنی را در جنوب آمریکا، که تبعیض نژادی رایج بود، آغاز کردند. آن‌ها متعهد شده بودند که از خشونت پرهیز کنند، هرچند کار بسیار دشواری بود.

دیدگاه سوم: تبدیل قدرت سیاه به جنبش ۷۹

لورنس محمد

انتشار کتابی درباره تاریخ جنبش «قدرت سیاه» در سال ۱۹۹۳ بهانه‌ای می‌شود برای بازبینی تاریخ این جنبش. نویسنده معتقد است قدرت سیاه مفهومی انقلابی بود که از سوی جریان اصلی فرهنگ پذیرفته شد.

دیدگاه چهارم: دانشجویان نمی‌دانند به چه اعتراض می‌کنند ۸۴

جورج اف. کنان

این استاد دانشگاه و دیپلمات پیشکسوت معتقد است در میان دانشجویان تعصب و دوری از واقعیات جایگزین دانش و معرفت شده است. ستیزه‌جویان درکی از پیچیدگی‌های سیاست عمومی ندارند و خشمگینانه آن را نادیده می‌گیرند. آن‌ها بدون ارائه راه‌حل‌های منطقی، دست به قانون‌شکنی می‌زنند که تهدیدی برای ایالات متحده به شمار می‌آید.

دیدگاه پنجم: جنبش آزادی‌بخش زنان به دست خودشان شکل می‌گیرد ۹۰

کتی ساراچایلد

او که از رهبران جنبش زنان است در این باره توضیح می‌دهد که چگونه بحث در مورد جذابیت زنان به افزایش سطح آگاهی‌اش کمک کرده است. این نوع تفکر شفاف هم در اساس جنبش حقوق مدنی و هم در شناختی که زنان از خودشان پیدا کردند نقش مهمی داشت.

دیدگاه ششم: پادفرهنگ، ۱۹۶۴-۱۹۶۵..... ۹۸

تام هیدن

تام هیدن از رهبران پیشرو و از بنیان‌گذاران جنبش دانشجویی است. او معتقد است با وجود تشکیلات نابخردانه و غیرمتعطف سیاسی، جوانان بجز ایجاد فرهنگ خاص خودشان چاره دیگری نداشتند. اما تمایل به مواد مخدر و بی‌بندوباری سبب شد تلاش‌های جنبش جوانان برای اعمال اصلاحات بی‌اثر شود.

دیدگاه هفتم: روگردانی جوانان از سیاست‌های رادیکال و رو آوردن به مذاهب عرفانی..... ۱۰۶

استیون ای. کنت

در پایان دهه ۱۹۶۰، جنبش جوانان از خاتمه نیافتن جنگ ویتنام و عدم تحقق سایر آرمان‌های سرخورده شده بود. طبق مستندات این استاد دانشگاه، اعضای جنبش در نتیجه این ناکامی‌ها، به گروه‌های مذهبی نوظهور روی آوردند.

دیدگاه هشتم: درباره جنبش‌های اعتراضی دهه ۱۹۶۰ مبالغه شده است..... ۱۱۱

جانانان لیف در مصاحبه با کاترین جین لویز

به نظر این خبرنگار و نماینده‌نویس، دهه ۱۹۶۰ دانشجویان محافظه‌کار در اکثریت بودند، و فعالان دانشجویی به مسائل جنسی بیش از سیاست اهمیت می‌دادند، و فعالان ضدجنگ خود طرفدار اعمال خشونت بودند. حتی در موسیقی راک آن دوران هم ارزش‌های ضدمسیحی و ضدزن ترویج می‌شد.

بخش سوم: روایت‌های فردی

دیدگاه اول: سخنان خشم‌آلود ماریو ساویو، سخنگوی دانشجویان کالیفرنایی که برای محاکمه احضار شده بود..... ۱۱۸

ماریو ساویو در مصاحبه با جک فینچر

رهبر جنبش آزادی بیان می‌گوید دانشگاه‌ها به جای این‌که محلی برای آموزش دانشجویان و پژوهش استادان باشند، به وسیله‌ای برای سودرسانی به کارخانه‌ها تبدیل شده‌اند. او در این باره سخن می‌گوید که امکان وقوع چنین اتفاقی فقط در کشوری وجود دارد که به لحاظ فکری ورشکسته باشد.

دیدگاه دوم: تجربیات یک دختر از فمینیسم در دهه ۱۹۶۰..... ۱۲۴

لایلین اس. رایبسون

این خبرنگار در مورد دوران جوانی‌اش و تصویری که رسانه‌ها از زنان نمایش می‌دادند و فرهنگ عمومی در دهه ۱۹۶۰ سخن می‌گوید.

دیدگاه سوم: بازیابی دوران گذشته از زبان یکی از رهبران گروه دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک..... ۱۳۱

کارل اوگلزی در مصاحبه با بیل کاوفمن

رئیس سازمان دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک بعد از گذشت چهار دهه به گذشته نگاه می‌کند و هنوز هم گمان می‌کند که بی‌تجربه اما درستکار بوده است. او به دموکراسی باور دارد.

دیدگاه چهارم: نسل شورش ۱۳۹

راجر اسکروتین

این روزنامه‌نگار میراث به‌جامانده از دهه ۱۹۶۰ را بر اساس نوشته‌های آرتور مارویک، تاریخ‌نگار، شرح می‌دهد.

گاهشمار ۱۴۳

برای مطالعه بیشتر ۱۴۶

نمایه ۱۴۸

پیشگفتار

«تاریخ برای آینده برنامه‌ای به ما نمی‌دهد، اما می‌تواند درکی کامل‌تر از خود ما و طبیعت بشریِ مشترکمان ارائه کند، از این رو بهتر می‌توانیم با آینده مواجه شویم.»

— رابرت پن وارن
شاعر و داستان‌نویس آمریکایی

در تاریخ هر ملت رویدادهای سرنوشت‌سازی وجود دارد که برای آن ملت در حکم نقطه عطف است و تأثیری فراتر از مرزهای آن دارد. این رویدادها — که دربرگیرنده طیف کاملی از خصایص بشری است، از جمله خشونت، طمع و جهالت، و همچنین رشادت، دلاوری و قدرت — تقریباً همیشه پیچیده است و جنبه‌های مختلفی دارد. دانشجوی تاریخ با مسائل چالش‌برانگیز بسیاری مواجه است، با رویدادهایی مانند جنگ، جنبش‌های اجتماعی و بلایای زیست‌محیطی که دنیا را دگرگون می‌کند. اما درک این رخداد‌های مهم تاریخی در صورتی بهتر می‌شوند که از منظرهای گوناگون بررسی شوند؛ بررسی از دیدگاه افرادی که از نزدیک شاهد وقایع بوده‌اند یا از فاصله مکانی و زمانی دور آن را رصد کرده‌اند. این درک با فهم مباحث پیرامونی و کندوکاو در رویدادها و مسائل مهم از زوایای متفاوت بیشتر می‌شود. سرانجام، درک واقعی رویدادهای مهم تاریخی مستلزم اطلاع از تأثیر رویدادها بر انسان — شیوه‌های اثرگذاری این رویدادها بر زندگی روزانه مردم — در سراسر دنیاست.

مجموعه کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» رویدادهای تاریخی دنیا را از قرن بیستم به بعد با ارائه تحلیل و از دیدگاه‌های مختلف بررسی می‌کند. کتاب‌های این مجموعه به دانش‌آموزان، دانشجویان و افراد علاقه‌مند گزیده‌ای از رویدادهای مهم تاریخ ارائه می‌کنند که پیش‌تر منتشر شده است، البته با توجه به پوشش بین‌المللی آن. هر جلد با اطلاعات زمینه‌ای درباره رویداد شروع می‌شود، بعد به مباحث پیرامونی آن می‌پردازد، و با روایت‌های اول‌شخص افرادی به پایان می‌رسد که در صحنه حضور داشته‌اند یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. این مجموعه می‌تواند با استفاده از منابع اصلی مربوط به زمان رویداد و نیز گزارش‌های مناسب در آن زمینه در شکل‌گیری بحث، کمک به رشد

مهارت‌های تفکر نقادانه، افزایش آگاهی از جهان، و افزایش درک چشم‌انداز بین‌المللی از تاریخ مفید باشد.

مطالب از منابع مختلف از جمله نشریات، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌های غیرداستانی، روایت‌های شخصی، سخنرانی‌ها، شهادت‌ها در مجامع، اسناد دولتی، جزوات، بولتن‌های خبری سازمانی، و مقالات انتخاب شده‌اند. مقالات برگرفته از این منابع به دقت تصحیح شده و برای تهیه متن استفاده شده است. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» حاوی دیدگاه‌های مختلف درباره رویدادهای پراهمیت دنیاست. بیشتر مطالب از منابع بین‌المللی و منابع ایالات متحده است که پوشش بین‌المللی وسیعی داشته است.

هر جلد از سری کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» دربرگیرنده موارد زیر است:

- نقشه جهان که نمایی از متن و جغرافیا ارائه می‌کند.
 - فهرست مطالب به شکل توضیحی که خلاصه کوتاهی از هر مقاله تحقیقی در کتاب ارائه می‌کند.
 - مقدمه که خاص موضوع آن کتاب ارائه شده است.
 - برای هر دیدگاه یک معرفی کوتاه درباره مؤلف و منبع نوشتار او با خلاصه‌ای از نکات اصلی ارائه شده است.
 - جداول، نمودارها، نقشه‌ها و دیگر تصاویر مربوطه.
 - کادرهای حاشیه‌ای که اطلاعاتی درباره زندگی افراد محوری و رویدادهای تاریخی می‌دهد یا به توضیح مفاهیم علمی یا فنی می‌پردازد.
 - فهرست اصطلاحات برای تعریف اصطلاحات اصلی مورد نیاز.
 - گاهشماری از رویدادهای مهم قبل، همزمان و بلافاصله بعد از آن.
 - کتاب‌شناسی برای معرفی کتاب‌های بیشتر، نشریات ادواری و وبسایت‌ها برای تحقیقات بیشتر.
 - نمایه جامع برای دسترسی به افراد، مکان‌ها و رویدادهای نقل شده در متن.
- «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» برای طیف وسیعی از خوانندگان طراحی شده است، افرادی که می‌خواهند نه تنها درباره تاریخ بلکه درباره رویدادهای جاری، سیاست، حکومت، روابط بین‌المللی، و جامعه‌شناسی بیشتر بدانند — دانش‌آموزان و دانشجویانی که برای انجام دادن تکالیف یا در مورد بحث‌های کلاسی تحقیق می‌کنند، معلمان و

کادر آموزشی که به دنبال مطالب تکمیلی اند، و آنهایی که می‌خواهند تاریخ را بهتر بفهمند. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» طوری تدوین شده تا رویدادی پیچیده را توضیح دهد، جرقه بحث را بزند، و دیدگاه بشری پس‌پشت مهم‌ترین رویدادهای جهان در دهه‌های اخیر را نشان دهد.

مقدمه

در سال ۱۹۶۰ به جوانان توجه چندانی نمی‌شد. حکومت در دست افراد سالخورده بود. دوایت آیزنهاور هفتادساله رئیس‌جمهور آمریکا و رقیب اصلی‌اش نیکیتا خروشچف شصت و شش‌ساله رهبر اتحاد شوروی بود. هارولد مک‌میلان نخست‌وزیر انگلستان هم شصت و شش سال داشت. شارل دوگل رهبر فرانسه هفتادساله بود. ژاپن، چین و آلمان را هم رهبران شصت و چهار، شصت و هفت و هشتاد و چهارساله اداره می‌کردند.

در جهان تجارت هم همین وضعیت حاکم بود. در جهان علمی و دانشگاهی هم اوضاع بر همین منوال بود. در ایالات متحده و بقیه کشورهای نسل قدیمی‌تر کنترل بخش‌های اصلی جامعه را در دست داشتند و بیشتر این افراد هم مرد بودند. عنوان سریال تلویزیونی محبوب دهه ۱۹۵۰ به‌خوبی جو حاکم بر این دوره را نشان می‌دهد: پدر بهتر می‌داند.

در دهه ۱۹۶۰ اوضاع به‌یکباره تغییر کرد و چاشنی انفجاری آن هم دانشجویان بودند. آن‌ها که از دیدن ریاکاری و بی‌عدالتی در دانشگاه و نیز در بقیه دنیا به تنگ آمده بودند، نه تنها از جنبش‌های قدرتمندی که نظم جهانی را به چالش می‌کشیدند حمایت کردند، بلکه خود رهبری آن را به دست گرفتند. در سراسر این دهه دانشجویان برای حمایت از حقوق بشر، صلح، آزادی و اصلاحات آموزشی و همچنین علیه کاستی‌هایی که حاصل اقدامات بزرگ‌ترهایشان بود مبارزه کردند.

البته همه دانشجویان در این جنبش فعال نبودند. بسیاری از آن‌ها گاهی نقش هوادار را بازی می‌کردند و به‌ندرت فعالیت جدی داشتند و اغلب دانشجویان در بند مشکلات دیگر و از جمله مسائل تحصیلی بودند. بسیاری از دانشجویان با لیبرالیسم فعالان دانشجویی مخالف بودند، برخی تلاش می‌کردند از کل ماجرا و حاشیه‌هایش فاصله بگیرند و فقط در پی گرفتن مدرک تحصیلی و پس از آن یافتن شغل مناسب بودند. عده اندکی هم از جنبش اعتراضی به عنوان بهانه‌ای برای خوشگذرانی استفاده می‌کردند.

اما آنچه این دهه را به دورانی استثنایی تبدیل کرد بلوغ فکری گروهی از دانشجویان بود که رهبری جنبش را در دست داشتند. این فقط شور و نیروی جوانی نبود که جوانان

دهه ۱۹۶۰ را پیش راند، بلکه آمیزه‌ای از شعور و اخلاقیات بود که مسائل اساسی جامعه و حکومت را هدف گرفته بود.

در واقع رشد شعور و آگاهی دور از انتظار نبود. توقعات دانشجویان آمریکایی دهه ۱۹۶۰ بالا رفته بود. والدین این دانشجویان کسانی بودند که دوران رکود بزرگ را پشت سر گذاشته، در بزرگ‌ترین جنگی که جهان شاهدش بود پیروز شده و در توسعه اقتصادی سهیم شده بودند، وضعیتی که به نظر می‌رسید تا ابد دوام خواهد یافت. فضایی که این دانشجویان در آن پرورش یافته بودند به شکلی بود که به افراد القا می‌کرد موفقیتشان قطعی است. آن‌ها در پرتو مفاهیمی از قبیل آزادی، عدالت و شکوفایی رشد کرده بودند و در گوش آن‌ها خوانده می‌شد که قابلیت و توانایی‌هایشان نامحدود است.

اما آن‌ها در دانشگاه، به ویژه دانشگاه‌های بزرگ، با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو بودند. به نظر می‌رسید نظام دیوان‌سالاری در دانشگاه‌های بزرگ به توانایی‌های منحصر به فرد آن‌ها اهمیتی نمی‌دهد. هماهنگی جمعی بر فردگرایی تقدم داشت، به خصوص دانشجویان رنگین‌پوست و زنان با تبعیض دردناکی روبه‌رو بودند که با آرمان‌هایی که در کتاب‌های درسی‌شان می‌خواندند به شدت تناقض داشت. بسیاری از دانشجویان احساس می‌کردند راهی جز پذیرش این وضعیت در پیش ندارند. اما عده‌ای از دانشجویان بر آن شدند زیر بار این شرایط نروند. جو فریمن یکی از فعالان دانشجویی در کتابش با عنوان دهه شصت در برکلی نوشته: «ما متوجه شدیم کارهای زیادی پیش رو داریم و با تمام وجود می‌خواستیم همه آن‌ها را انجام دهیم.»

دانشجویان با به خطر انداختن بورس تحصیلی، مدرک دانشگاهی، شغل، و حتی زندگی‌شان خط مقدم مبارزه برای حقوق مدنی را تشکیل دادند و در نهایت خونسردی و با منطق محکم و شجاعت بدون خشونت خواسته‌هایشان را پیگیری کردند. برخی زنان جوان با در پیش گرفتن همین روش بر آن شدند تا نابرابری‌هایی را که در محیط کار با آن مواجه بودند و تبعیض‌های اجتماعی‌ای را که در حق آن‌ها صورت می‌گرفت به چالش بکشند. دانشجویان سراسر کشور تمام فکر و توانشان را به کار گرفتند تا وضعیت دانشگاه‌هایی را که با پرداخت شهریه در آن تحصیل می‌کردند بهبود بخشند.

درگیری آمریکا در جنگ ویتنام باعث تشدید فعالیت‌های دانشجویان شد. در دهه ۱۹۶۰ رؤسای جمهور آمریکا یکی پس از دیگری سربازان بیشتری به ویتنام اعزام کردند. ویتنام کشوری کوچک بود که کیلومترها با آمریکا فاصله داشت و آمریکا ادعا می‌کرد برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در آسیای جنوب شرقی باید از این کشور حمایت کند.

این بدان معنا بود که تعداد بیشتری از جوانان آمریکایی باید در قالب نیروهای مسلح به جنگ اعزام می‌شدند؛ جنگی که پیروزی در آن با وجود برتری فناوری آمریکا دشوار می‌نمود.

دامنه مخالفت با جنگ از درخواست‌های مایوسانه فردی تا مطالبات اصولی جمعی متغیر بود. اعتراض به جنگ به اشکال مختلفی صورت می‌گرفت که گاهی با قانون‌شکنی همراه بودند. تعداد زیادی از دانشجویانی که در آن زمان برای حمایت از حقوق مدنی مبارزه می‌کردند، و مستقیماً تحت تأثیر جنگ قرار گرفته بودند، به فعالیت علیه جنگ پرداختند. این تعهد که فراتر از منافع شخصی بود باعث شد جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰ از فعالیت‌های دانشجویی دوران پیش از آن متمایز شود.

جنبش‌های دانشجویی پیشین اعتراض‌هایی کوچک و محدود به مسائل معمولی و روزمره بود نه اعتراض به مسائل زیربنایی. شاید بتوان اعتراض‌های سال ۱۷۶۶ دانشگاه هاروارد را اولین شورش دانشجویی خواند که دانشجویان در اعتراض به کره فاسد در سالن غذاخوری اعتصاب کردند. جی. انگوس جانستون در کتاب اعتراضات دانشجویی دهه ۱۹۶۰ و پس از آن نوشته در اوایل سده نوزدهم دانشجویان دانشگاه‌های معتبری از جمله دانشگاه پرینستون و دانشگاه ویرجینیا گهگاه در واکنش به اقدامات تنبیهی مدیران دست به اعتراضات خشونت‌آمیز می‌زدند، اما بعد از جنگ داخلی اوضاع دانشگاه‌ها آرام بود و «دانشجویان به نوعی خودمختاری دست یافته بودند». مدیران «از عطش دانشجویان برای کسب قدرت استفاده می‌کردند تا وضعیت ارائه خدمات را به همان شکل حفظ کنند».

تا سده بیستم، همین روند یعنی حفظ مصالح شخصی از سوی دانشجویان و پذیرش همکاری با آن‌ها از سوی مدیران ادامه داشت. در دهه ۱۹۳۰، حدود نیم‌میلیون دانشجوی به اعتراضات ضدجنگ پیوستند، اما اختلاف‌نظر در مورد نفوذ کمونیسم و فاشیسم — که در اروپا و آسیا ظهور کرده بود — باعث ایجاد تفرقه میان دانشجویان شد. جنگ جهانی دوم باعث بروز بیشترین اعتراضات گردید، طبق نوشته جانستون، «فعالیت‌های دانشجویی ضدجنگ بعد از واقعه پرل هاربر کاملاً از میان رفت». اما این فعالیت‌ها در دهه ۱۹۶۰ دوباره به اشکال گوناگون و بسیار پر قدرت از سر گرفته شدند.

دانشجویان دهه ۱۹۶۰ به واسطه بلوغ آرمان‌گرایی و نیز تعهد به مسائلی فراتر از منافع شخصی‌شان تغییراتی پدید آوردند که هنوز هم با وجود گذشت بیش از نیم قرن آثارش در ایالات متحده و بقیه جهان احساس می‌شود. لئونارد گوردون در دایرةالمعارف جامعه‌شناسی آورده که «لایحه حقوق مدنی سال ۱۹۶۴، که دور از دسترس می‌نمود، باعث

شد تا موضع مردم در قبال جنگ ویتنام تغییر کند و به جای حمایت از آن، به مخالفت با آن پردازند. و فشارهایی که برای ایجاد تنوع در بدنه دانشجویی و برنامه‌های آموزشی نژادی و قومی هم اعمال می‌شد در تحولات ناشی از اعتراضات نقش داشتند، تحولاتی که زندگی جامعه آمریکایی را دگرگون کرد».

در این کتاب، اعتراضات و تحولاتی که از پی آن شکل گرفت شرح داده می‌شود. آنچه در پی می‌آید شرح فردگرایی خارق‌العاده کنشگران جوانی است که خود را به ایجاد نوع جدیدی از دموکراسی آمریکایی متعهد می‌دانستند.

نقشه جهان



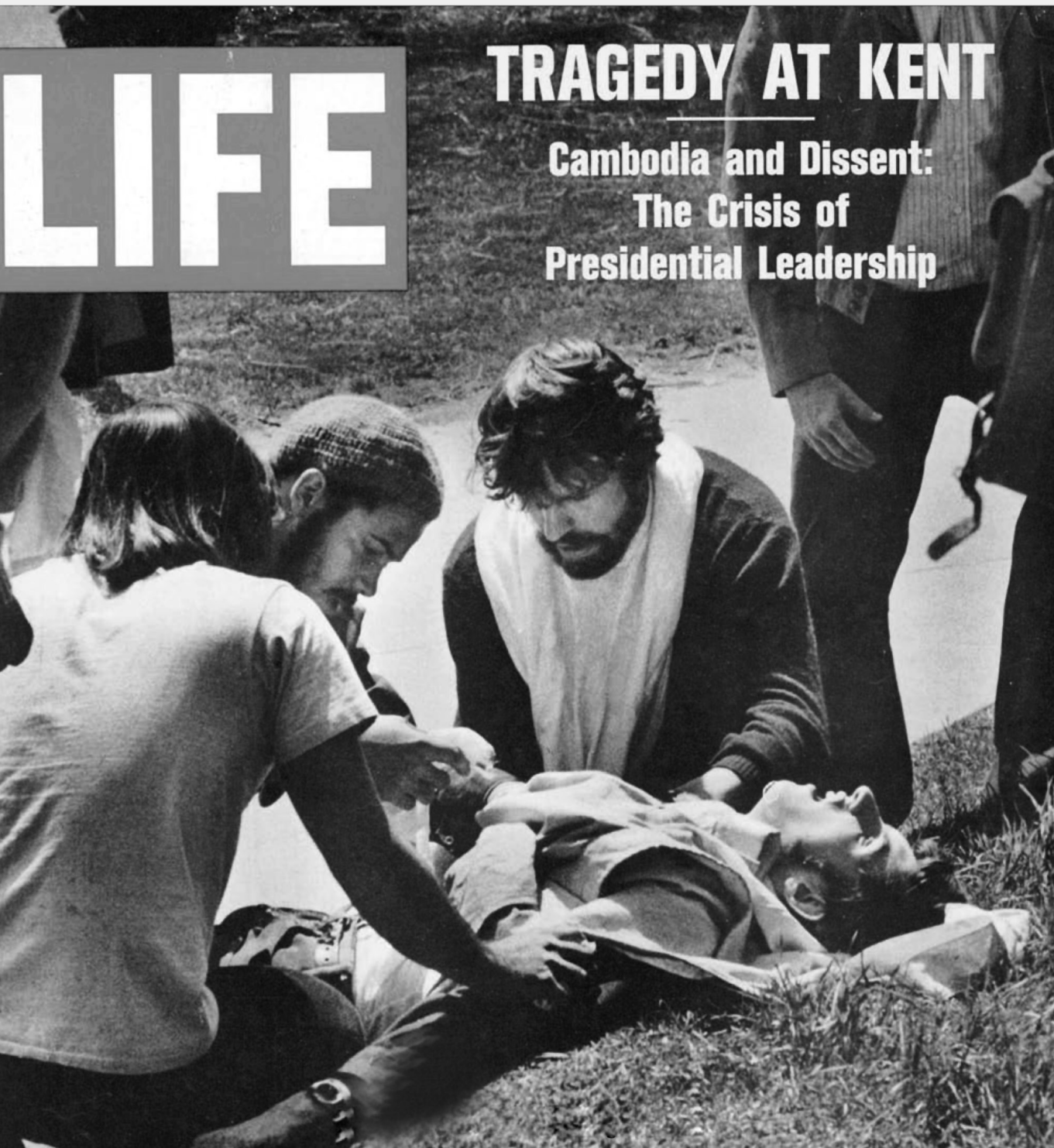
بخش اول

زمینه تاریخی جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰

LIFE

TRAGEDY AT KENT

**Cambodia and Dissent:
The Crisis of
Presidential Leadership**



دیدگاه اول

بررسی جنبش دانشجویی در دهه ۱۹۶۰

دهه‌های آمریکایی^۱

تظاهراتی که در سال ۱۹۶۴ در دانشگاه برکلی کالیفرنیا برگزار شد حال و هوای جنبش‌های اعتراضی دانشجویی و مطالباتشان را به شکلی تغییر داد که بر سال‌های بعدی آن دهه در سراسر ایالات متحده تأثیر گذاشت. مسئولان دانشگاه برکلی هم، مانند بقیه دانشگاه‌های بزرگ کشور، دیدگاهی محافظه‌کارانه و متمایل به دولت داشتند. تظاهرات علیه اولیای قدرت شدت گرفت و به این ترتیب نیروهای پلیس — که مسئولان دانشگاه اجازه ورودشان را به محوطه دانشگاه صادر کرده بودند — تعداد زیادی از دانشجویان را دستگیر کردند. معترضان «جنبش آزادی بیان» را پایه‌گذاری کردند و مخالفت با نظامیان بالا گرفت.

در دهه ۱۹۶۰ نسل آمریکایی‌های جوانی که حاصل رشد انفجاری جمعیت در سال‌های بعد از جنگ بودند به سن ورود به دانشگاه رسیده بود و به برکت فراوانی‌هایی که در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم حاصل شده بود، تعداد بیشتری از این دانش‌آموزان امکان برخورداری از تحصیلات تکمیلی را داشتند. بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۰،

عکس صفحه قبل: دانشجویان دور پیکر جان کلیری، که بر اثر تیراندازی افراد گارد ملی به تظاهرات کنندگان کشته شده بود، حلقه زده‌اند. تظاهرات در دانشگاه ایالتی کنت در ماه مه ۱۹۷۰ رخ داد. این عکس روی جلد مجله لایف چاپ شد. (Time & Life Pictures/Getty Images.)

تعداد دانشجویان تقریباً سه برابر شد و از ۲/۴ میلیون نفر به ۶/۴ میلیون نفر رسید؛ تا پایان این دهه تقریباً نیم‌میلیون پژوهشگر و آموزشیار در دانشگاه‌های سراسر کشور به کار گرفته شدند، در حالی که بیست سال پیش این تعداد فقط حدود ۲۰۰,۰۰۰ نفر بود. حمایت‌های مالی دولت فدرال، به‌خصوص وزارت دفاع، در تسریع رشد جامعه دانشگاهی کشور نقش بسزایی داشت، زیرا دانشگاه‌های آمریکا در دوران جنگ سرد اغلب نقش آزمایشگاه‌هایی را داشتند که برتری فناوری کشور را در برابر شوروی رقم

1. "Campus Protests," *American Decades*, vol. 7: 1960-1969, edited by Judith S. Baughman et al. Detroit: Gale, 2001.

می‌زدند. در سال ۱۹۶۱ تقریباً نیمی از بودجه پژوهشی فدرال را وزارت دفاع و کمیسیون انرژی اتمی تأمین می‌کردند. به گفته کنت هینمن، در پایان دهه ۱۹۶۰ دانشگاه‌هایی از قبیل انستیتو تکنولوژی ماساچوست (ام‌آی‌تی) و دانشگاه میشیگان صدها قرارداد در حوزه امور دفاعی به ارزش بالغ بر میلیون‌ها دلار در سال داشتند و در سال ۱۹۶۹ «پنتاگون ۸۰ درصد بودجه ام‌آی‌تی را تأمین می‌کرد».

نقشی که جامعه دانشگاهی در ایجاد ارتباط بین دولت و کارفرمایان امور دفاعی ایفا می‌کرد، و از آن تحت عنوان مجتمع نظامی-صنعتی یاد می‌شد، در ایجاد جو محافظه‌کارانه در دانشگاه‌ها تأثیر زیادی داشت. بسیاری از رؤسای دانشگاه‌های کشور در واقع یا مدیران اجرایی شرکت‌ها بودند یا مأموران دولتی، و جزو کادر آموزشی نبودند. در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۶۰، همان موقع که اولین نسل حاصل از رشد انفجاری جمعیت بعد از جنگ با تعداد زیاد به دانشگاه وارد شدند، نشانه‌هایی از به چالش کشیدن ارزش‌های مورد نظر مدیران دانشگاه‌ها هویدا شده بود.

اولین شورش بزرگ در برکلی رخ داد

اولین شورش دانشجویی علیه مدیریت دانشگاه در دانشگاه برکلی کالیفرنیا و در سال ۱۹۶۴ رخ داد. دانشگاه کالیفرنیا یکی از مهم‌ترین مراکز پژوهش‌های نظامی بود. در آغاز سال تحصیلی ۱۹۶۴-۱۹۶۵ به سازمان‌های دانشجویی برکلی اعلام شد که اجازه برگزاری سخنرانی‌های سیاسی یا انتشار مطالب اجتماعی درباره اتحادیه‌های دانشجویی را ندارند. در ابتدا دانشجویانی که برای حمایت از جنبش حقوق مدنی پول جمع‌آوری می‌کردند گمان کردند هدف این قانون جدید محدود کردن فعالیت‌های ایشان است، اما همه دانشجویان عضو گروه‌های سیاسی، چه آزادی‌خواه و چه محافظه‌کار، از این قانون ناراضی بودند. ائتلاف گسترده‌ای بین تمام گروه‌هایی که این قانون به‌نوعی آن‌ها را محدود می‌کرد پدید آمد و روز ۱۷ سپتامبر «جبهه متحد» از رؤسای دانشگاه درخواست کرد طبق قوانین اجازه ادامه فعالیت اتحادیه دانشجویی را صادر کنند. در مدتی که در انتظار پاسخ بودند، جبهه متحد مطابق معمول میزهایی را در محل اتحادیه قرار داد و برنامه‌ای برای اعتراض شبانه در تاریخ ۲۱ سپتامبر تنظیم کرد. رئیس دانشگاه بر مواضعش پافشاری کرد و تظاهراتی که در پی آن رخ داد باعث شد تا دانشجویانی که پیش از آن هیچ‌گاه فعالیت سیاسی نداشتند به معترضان بپیوندند.

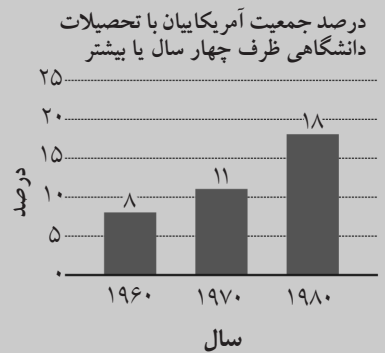
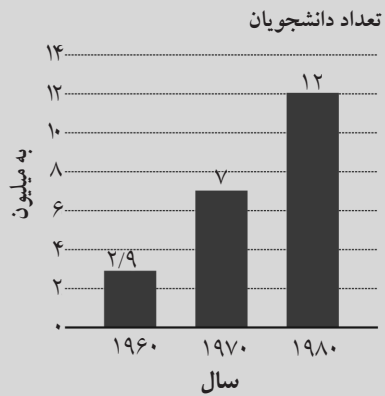
روز ۳۰ سپتامبر وقتی دانشگاه هشت دانشجو را برای ادای توضیحات در مورد ادامه حضور در اتحادیه احضار کرد، صدها دانشجو دیگر با امضای طوماری اعلام

کردند که آن‌ها هم به اندازه آن هشت نفر در مورد تداوم فعالیت اتحادیه مسئولیت دارند. آن‌ها با درخواست اعمال مجازات‌های مشابه در ساختمان تالار اسپرول جمع شدند و بقیه روز و تمام شب را در راهروهای آن نشستند. در این مدت تظاهرات‌کنندگان مشغول برنامه‌ریزی برای اقدامات بعدی بودند و همزمان با مسئولان دانشگاه هم مذاکره می‌کردند. یکی از تظاهرات‌کنندگان دانشجویی

یکی از تظاهرات‌کنندگان دانشجویی سال‌پایینی رشته فلسفه به نام ماریو ساویو بود که نشان داد سخنور توانایی است.

سال‌پایینی رشته فلسفه به نام ماریو ساویو بود که نشان داد سخنور توانایی است. وقتی یکی از مسئولان دانشگاه ادعا کرد که قانون جدید با هدف حفظ بی‌طرفی سیاسی دانشگاه وضع شده است، ساویو در پاسخ گفت: «دانشگاه کالیفرنیا مستقیماً در ساخت بمب‌های اتمی جدید و قوی‌تر نقش داشته است. چه این کار خوب باشد چه بد ... گمان نمی‌کنید برای حفظ بی‌طرفی سیاسی، دانشگاه یا نباید درگیر این کار شود یا این که انجام دادن این کار باید تحت نظارت دموکراتیک باشد؟» از نظر تظاهرات‌کنندگان این موضوع با بی‌طرفی سیاسی همخوانی نداشت ولی داشتن آزادی بیان کاملاً با بی‌طرفی سیاسی سازگاری داشت. روز بعد، اول اکتبر، تظاهرات دیگری در مقابل تالار اسپرول صورت گرفت و جک واینبرگ، که دانشجو نبود ولی برای سازمان برابری نژادی در دانشگاه فعالیت می‌کرد، به دلیل ورود بی‌اجازه به محوطه دانشگاه دستگیر شد. قبل از این که پلیس بتواند او را با خود ببرد، تظاهرات‌کنندگان با نشستن دور ماشین پلیس و محاصره آن مانع حرکتش شدند. ساویو روی ماشین پرید و از آن‌جا مبارزه را رهبری کرد. عصر آن روز، در حالی که

رشد سریع تعداد دانشجویان



نمایندگان دانشجویان با مسئولان دانشگاه در طبقه بالای تالار اسپرول در حال مذاکره بودند، تظاهرات کنندگان با نیروهای پلیس که می‌خواستند درهای ساختمان را ببندند درگیر شدند. در راه‌پله‌های تالار اوضاع آشفته‌تر بود و دانشجویان، استادان و مسئولان دانشگاه در مورد نگره داشتن خودرو پلیس اختلاف نظر داشتند. تظاهرات تا ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر روز بعد ادامه داشت و در تمام این مدت و اینبرگ در خودرو پلیس نشسته بود. حتی بعد از متفرق شدن جمعیت، باز هم خودرو آسیب‌دیده پلیس قادر به حرکت نبود.

تولد جنبش آزادی بیان

روز چهارم اکتبر، تظاهرات کنندگان برای تشکیل سازمانی جهت مذاکره از طرف دانشجویان بار دیگر گرد هم آمدند و آن را «جنبش آزادی بیان» نامیدند. این سازمان را دانشجویانی رهبری می‌کردند که هنگام محاصره خودرو پلیس وظیفه گفتگو و مذاکره را بر عهده داشتند. پس از آن، تظاهرات و مذاکرات پرتنش چندین ماه ادامه داشت. روز نهم نوامبر، بار دیگر دانشجویان در اتحادیه دانشجویی حاضر شدند و دور جدیدی از نقض قوانین دانشگاه آغاز شد. در اولین دور تظاهرات عده‌ای از دانشجویان به جرم زیر پا گذاشتن قوانین دانشگاه مجازات شدند و پس از آن صدها دانشجوی دیگر به شکل داوطلبانه خواستار اعمال مجازات به سبب نقض قوانین دانشگاه شدند. روز بیستم نوامبر، جنبش آزادی بیان بزرگ‌ترین گردهمایی‌اش را ترتیب داد. این تظاهرات در اطراف محل ملاقات هیئت نمایندگان مدیریت دانشگاه که جهت یافتن راه‌حلی برای بن‌بست موجود صورت گرفته بود برگزار شد. حدود ۲,۰۰۰ تا ۵,۰۰۰ دانشجو گرد هم آمدند و جون‌بایز، خواننده محبوب فولک، هم برای اعلام حمایتش از دانشجویان در این تظاهرات حاضر شد. تصمیم هیئت نمایندگان در واقع نوعی شکست برای دانشجویان بود: آن‌ها به ادامه اقدامات تنبیهی هشت دانشجوی تعلیق‌شده رأی دادند و اعلام کردند مقررات مربوط به ممنوعیت فعالیت سیاسی در دانشگاه با شدت بیشتری اعمال خواهد شد. با تعطیلی دانشگاه به مناسبت عید شکرگزاری، اعضای جنبش آزادی بیان روحیه‌شان را از دست دادند: هیئت مدیره دانشگاه شکست سختی به آن‌ها تحمیل کرده بود، و بحث‌هایی که در مورد راهبرد و شیوه مبارزه مطرح می‌شد انسجام جنبش را به خطر انداخته بود.

روز دوم دسامبر، جنبش آزادی بیان تظاهرات دیگری را در خارج از تالار اسپرول برگزار کرد. بعد از چند سخنرانی تند و پرشور، بیش از ۱,۰۰۰ دانشجو وارد ساختمان شدند. آن‌ها بعد از ورود به ساختمان، کلاس‌های آزاد تشکیل دادند: اعضای هیئت علمی کلاس‌های نافرمانی مدنی و کلامی برگزار کردند و قسمت‌هایی برای استراحت، رقص



تحصن دانشجویان دانشگاه هاروارد در جریان اعتصاب‌ها و اعتراضات سه‌روزه.
(Time & Life Pictures/Getty Images.)

و تماشای فیلم اختصاص دادند. تحصن تا شب ادامه یافت، تا وقتی که بیش از ۶۰۰ نفر از نیروهای پلیس برکلی و منطقه همجوار اوکلند برای برهم زدن تظاهرات وارد تالار شدند. آن‌ها ۷۷۳ دانشجوی را که به پیروی از روش‌های نافرمانی مدنی خودشان را

دانشجویان که از حضور نیروهای پلیس در دانشگاه خشمگین بودند فراخوان اعتصاب عمومی دادند و سپس استادان هم به آن‌ها پیوستند.

افلیج نشان می‌دادند و باید از ساختمان بیرون برده می‌شدند دستگیر کردند. خارج کردن همه تظاهرات کنندگان دوازده ساعت طول کشید. در عرض چند روز، دانشجویان که از حضور پلیس در دانشگاه خشمگین بودند فراخوان اعتصاب عمومی دادند و سپس استادان هم به آن‌ها پیوستند.

اولین روز اعتصاب روز جمعه بود که حدود ۱۰,۰۰۰ دانشجو با نرفتن به کلاس‌های درس و بستن درهای ورودی دانشگاه در آن شرکت کردند. در تعطیلات آخر هفته، رئیس دانشگاه تصمیم گرفت با دانشجویان مذاکره کند، کلارک کر، رئیس دانشگاه، اعلام کرد روز دوشنبه طرح «عصر نوین آزادی در سایه قانون» را برای دانشگاه اعلام خواهد کرد. ۱۶,۰۰۰ دانشجو برای شنیدن سخنان رئیس دانشگاه در آمفی‌تئاتر جمع شده بودند. در پایان گردهمایی، وقتی ساویو تلاش کرد میکروفن را به دست بگیرد، دو نفر از نیروهای حراست دانشگاه او را با خود بردند و اوضاع به هم ریخت. اعتصاب تا هفته بعد ادامه یافت و با انتخابات دانشجویی همزمان شد. دانشجویان به شدت از اعضای جنبش آزادی بیان و هواداران‌شان حمایت می‌کردند. همان روز شورای منتخب استادان دانشگاه بیانیه‌ای صادر کرد که طبق آن محدودیت‌هایی که برای فعالیت سیاسی در دانشگاه گذاشته شده بود لغو می‌شد. این دستاورد خوبی برای جنبش آزادی بیان بود. ادوارد استرانگ، رئیس دانشگاه، از سمتش برکنار شد و به جای او فردی از جامعه دانشگاهی برکلی برگزیده شد. تا مدتی به نظر می‌رسید جنبش آزادی بیان پیروز شده است. اما در بهار اعتراضات دوباره شروع شد که این بار در اعتراض به فحاشی در ملاعام بود. جنبش آزادی بیان به «جنبش سخنان رکیک» تبدیل شده بود و اعتراضات دانشگاهی کماکان ادامه داشت.

گسترش دامنه ناآرامی‌ها به دانشگاه‌های بزرگ

ناآرامی‌ها به برکلی محدود نماند و به‌خصوص بعد از تشدید مداخله نظامی آمریکا در جنگ ویتنام در سال ۱۹۶۵، اعتراضات در سراسر کشور گسترش یافت. دانشجویان و اعضای هیئت علمی به مشارکت دانشگاه‌ها در پژوهش‌های نظامی و جنگ معترض بودند. فراخوان برای خدمت سربازی که باعث نگرانی دانشجویان هجده‌ساله شده بود

به بروز تظاهرات خشونت‌آمیزی منجر شد. در سال ۱۹۶۶، در دانشگاه هاروارد اعضای گروهی تندرو تحت عنوان دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک (اس‌دی‌اس) رابرت مک‌نامارا، وزیر دفاع وقت، را هو کردند و مانع خروج خودرو او از دانشگاه شدند. دانشجویان دانشگاه شیکاگو، در اعتراض به برگزاری آزمون‌های خدمت داوطلبانه نظامی در دانشگاه به تحصن دست زدند. در سال ۱۹۶۷، دانشجویان دانشگاه ویسکانسین در اعتراض به جذب نیرو توسط شرکت داوکمیکال، که یکی از پیمانکاران مهم وزارت دفاع بود، اموال دانشگاه را تخریب کردند. دانشجویان تندرو معمولاً هم با دوستان محافظه‌کارشان و هم با مسئولان محلی درگیر می‌شدند. غم‌انگیزترین درگیری در مه ۱۹۷۰ در دانشگاه ایالتی کنت در اوهایو اتفاق افتاد. اعتراضات گسترده به جنگ چند ماهی ادامه داشت تا سرانجام نیروهای گارد ملی با تیراندازی به تظاهرات‌کنندگان باعث مرگ چهار نفر و مجروح شدن نه نفر دیگر شدند.

دیدگاه دوم

دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک از اهداف و آرمان‌هایشان می‌گویند

دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک^۱

دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک (اس‌دی‌اس) یکی از گروه‌های چپ‌گرای مهم و جدید در دهه ۱۹۶۰ بود که رویکرد جوانان‌های به کارهای اصلاح‌طلبانه سوسیالیستی و مارکسیستی قدیمی‌تر داشت. این گروه در روزهای ۱۱ تا ۱۵ ژوئن ۱۹۶۲ همایش بزرگی در پورت هارون میشیگان برگزار کرد. بیانیه‌ای که در پایان همایش صادر شد حاصل ماه‌ها بحث و بررسی بود. این سند مفصل، که تحت عنوان «بیانیه پورت هارون» از آن یاد می‌شود، به یکی از مهم‌ترین اسناد دهه ۱۹۶۰ تبدیل شد. نویسنده اصلی بیانیه تام هیدن بود که کارش را به عنوان فعال سیاسی ادامه داد و بعدها به نمایندگی مجلس نمایندگان کالیفرنیا برگزیده شد. این گزیده شامل بخش‌های آغازین و پایانی بیانیه پورت هارون است که به طور خلاصه نیازهای فوری آمریکا را در آن زمان مطرح و برایش راه‌حل ارائه می‌کند.

ما نسلی هستیم که تقریباً در آسایش بزرگ شده‌ایم و اکنون که به سن تحصیل در دانشگاه رسیده‌ایم، با ناخشنودی چشم به دنیایی دوخته‌ایم که برایمان به ارث مانده است. در دوران کودکی ما آمریکا قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور جهان بود: تنها کشوری که بمب اتمی داشت، کمترین آسیب را از جنگ دیده بود، و یکی از بنیان‌گذاران سازمان ملل متحد بود که گمان می‌کردیم بر آن است تا نفوذ دنیای غرب را گسترش دهد. ارزش‌های آمریکایی از قبیل آزادی و برابری برای همه افراد، حکومت از، بر و برای مردم برایمان ارزشمند بودند، ارزش‌هایی که امکان زندگی شرافتمندانه را برایمان فراهم می‌آوردند. بسیاری از ما با حس رضایت از وضعیتمان به دوران بزرگسالی رسیدیم. اما بزرگ‌تر که شدیم، رویدادهایی باعث بر هم زدن آرامشمان شد، وقایعی که نمی‌شد نادیده گرفت. اول از همه واقعیت دردناک تنزل مقام انسانی بود که نماد آن مبارزه جنوبی‌ها علیه تعصب‌های نژادی بود و باعث شد بسیاری از ما سکوتمان را بشکنیم

1. "The Port Huron Statement of the Students for a Democratic Society." New York: Students for a Democratic Society, 1962.

و به پا خیزیم. دوم، جنگ سرد که نماد آن وجود بمب اتمی است. ما و دوستانمان و میلیون‌ها نفر دیگر به این نکته آگاه هستیم که به سبب خطرهایی که همه‌مان را تهدید می‌کند هر لحظه ممکن است مرگ به سراغمان بیاید. ممکن است بتوانیم بقیه مشکلات جامعه بشری را نادیده بگیریم و به حساب نیاوریم، ولی این دو موضوع به علت تأثیر آنی و ویرانگرشان نه تنها قابل چشمپوشی نیستند، بلکه بسیار چالش برانگیزند و ما به عنوان افرادی مسئول در پی یافتن راه‌هایی برای حل این مسائل هستیم.

از آن‌جا که این مسائل و سایر مشکلات مستقیماً باعث پریشانی خاطر و عذاب وجدانمان شده‌اند و اسباب دلمشغولی و نگرانی‌مان را فراهم کرده‌اند، بر آن شدیم تا این موارد مورد اختلاف و پیچیده را بررسی کنیم. این بخش از اعلامیه استقلال که می‌گوید «تمام افراد برابر خلق شده‌اند» در مقابل واقعیات زندگی سپاهان در جنوب و شهرهای بزرگ شمال پوچ و توخالی به نظر می‌رسد. مفاهیم صلح‌آمیزی که در اعلامیه مطرح شده‌اند با سرمایه‌گذاری‌های نظامی و اقتصادی کنونی دوران جنگ سرد همخوانی ندارند. ما گواه تناقض‌های زیادی بوده و هستیم. حال که به انرژی هسته‌ای دست یافته‌ایم تمام شهرها به آسانی می‌توانند به برق دسترسی داشته باشند، اما در حال حاضر، به نظر می‌رسد مهم‌ترین ایالت‌های کشور با ویرانی عظیمی روبه‌رو هستند، بیش از تمام خسارت‌هایی که در تمام جنگ‌های طول تاریخ دیده‌اند. اگرچه فناوری‌هایمان انواع قدیمی‌تر را از بین برده و سازمان‌های اجتماعی جدیدی را پدید آورده، هنوز هم مردم مشغول انجام دادن کارهای بیهوده‌اند و با بطلت سر می‌کنند. در حالی که

در حالی که دوسوم مردم جهان دچار سوءتغذیه‌اند، اقشار مرفه جامعه ما از وفور نعمت برخوردارند.

دوسوم مردم جهان دچار سوءتغذیه‌اند، اقشار مرفه جامعه ما از وفور نعمت برخوردارند. در حالی که انتظار می‌رود جمعیت جهان تا چهل سال آینده دو برابر شود، هنوز هم هرچ‌ومرج بر روابط بین‌المللی حاکم است و از منابع طبیعی زمین بیش از اندازه بهره‌برداری می‌شود. در حالی که بشر به شدت نیازمند رهبری با بینش انقلابی است، آمریکا گرفتار بن‌بستی ملی شده، اهدافش مبهم و سستی است، در حالی که باید آگاهانه و شفاف باشد؛ نظام دموکراتیکش بیش از این که «از، بر و برای مردم» باشد، بی‌انگیزه و مخدوش شده است. چهره فضیلت‌های آمریکایی زنگار گرفته است. هنگامی که متوجه ریاکاری در آرمان‌های آمریکایی شویم، نه تنها سرخورده می‌شویم، بلکه درمی‌یابیم آنچه را «عصر طلایی آمریکایی» می‌خواندیم، چیزی جز دوران افول و انحطاط نبوده است. انقلاب‌های